

بررسی رشد و تکامل عقل در عصر ظهور

صدیقه لاکهانی^۱، طاهره رحمانی دهنوی^۲

چکیده

ظلم و ستم و تعدی به حقوق الهی و مردمی نتیجه جهل، نادانی و دورافتادگی بشر از فرهنگ اصیل انسانی است. تربیت دینی، تکامل اخلاقی و شکوفایی عقل و خرد در جامعه بشری از ویژگی‌های عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از منابع تفسیری، روایی و کلامی در پی آن است تا ضمن بررسی معنای عقل به تبیین ضرورت تکامل عقول، ابزار تکامل عقول، مفهوم و کیفیت تکامل عقول و خردمند بودن جامعه عصر ظهور بپردازد. **واژگان کلیدی:** عقل، تکامل عقول، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عقلانیت در عصر ظهور.

۱. مقدمه

انسان اگرچه مانند سایر موجودات از رشد نباتی و حیات حیوانی برخوردار است، اما علاوه بر این‌ها خصوصیتی به وی عطا شده که به واسطه آن نسبت به سایر آفریده‌ها مزیت و برتری ویژه‌ای دارد که یکی از آنها «عقل» است. از منظر اسلام «عقل» جایگاهی ویژه و مهم در مؤلفه‌های انسانی و الهی دارد. شکوفایی عقل، رسالت همه انبیاء و اولیاء است. در عصر ظهور که اهداف انبیا و اولیای الهی به ثمر می‌نشیند مردم به دلیل تجربه و بلوغ تاریخی از آمادگی لازم برای تمرکز و تکامل عقول

۱. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی رشته کلام اسلامی از پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عجل الله تعالی فرجه الشریف العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی - تربیتی مطالعات اسلامی، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه

المصطفی عجل الله تعالی فرجه الشریف العالمیه، قم، ایران

برخوردار می‌شوند و امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ رسالت خود را با تکامل عقول آغاز می‌کند؛ بنابراین بحث تکامل عقول یکی از مسائل زمینه‌ساز ظهور و از اتفاقات بسیار مهم در دولت مهدوی است. در عصر حاضر که زمان غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ است دشمن با به‌کارگیری ابزارهای چون بازی‌ها، فیلم‌ها، موسیقی، مطرح کردن عرفان‌های کاذب و ... در پی آن است تا بشر را از تفکر و تعقل که یکی از مهم‌ترین مسائل حیات اوست بازدارد. همین امر نویسنده را بر آن داشت تا ضرورت تکامل عقول و چگونگی آن در عصر ظهور را بررسی کرده و تأثیرات آن را بر جامعه مهدوی بیان کند.

۲. عقل

مفهوم «عقل» نقیض جهل و مترادف با علم است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱/۱۵۹). این واژه به معنی «دژ و قلعه»، «منع کردن و بستن» و «حبس کردن» به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۵۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۵/۴۲۵). متکلمان شیعه اغلب عقل را به‌گریزه تفسیر کرده‌اند (حائری یزدی، ۱۳۶۰، ۲۴۰-۲۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۱۷۱). عقل در فلسفه اسلامی گاه به معنای موجودی مستقل بالذات و بالفعل است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ۷/۲۶۲-۲۶۱) و گاه به معنای قوه‌ای از قوای نفس انسانی است (رازی، ۱۳۷۵، ۲/۳۵۲). این واژه به صورت اسمی (عقل) در قرآن به کار نرفته بلکه تنها مشتقات آن در قرآن آمده است (قرشی، ۱۳۷۷، ۵/۲۸). گاه عقل به معنای قلب ذکر شده از جمله در آیه ۸۸ سوره بقره. برخی لغت‌شناسان معتقدند مراد از غلافی که بر قلب منافقین کشیده شده «عدم فهم و تعقل» است (ابن قتیبه، ۱۳۸۴، ۵۵). در هر صورت تمامی این استعمالات در معنای «فهم، درک و معرفت» مشترک هستند (قرشی، ۱۳۷۷، ۵/۲۸). در روایات نیز عقل، گاه در مبدأ ادراکات انسان و گاه در نتیجه ادراکات او به کار رفته است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ۲۳-۱۹). از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد: «به امام گفتند، عاقل را به ما بشناسان، پاسخ داد: خردمند آن است که هر چیزی را در جای خود می‌نهد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۶).

عقل در اندیشه اسلامی سرمایه‌ای الهی است که خداوند به همه انسان‌ها ارزانی داشته تا در سایه آن هرآنچه مصلحت دنیایی و آخرتی او را تأمین می‌کند، بشناسد و خود را از اندیشه‌ها و

کنش‌هایی که آینده او را به خطر می‌اندازد برهاند (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ۱۲۳؛ نراقیان، ۱۳۹۱، ۷-۴). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الأقل من تورّع عن الذنوب و تنزّه من العيوب؛ خردمند کسی است که خود را از گناهان بر حذر داشته و خود را از عیوب پاک سازد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۹۲) و نیز می‌فرماید: «خردمند کسی است که در پرتو عقلش، بر هواهای نفسانی پیروز گردد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۲۸). عقلی که در مقاله حاضر مد نظر است، عقل فطری جامعه بشری است که در زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و به واسطه آن حضرت، خداوند متعال زمینه رشد و توسعه و تکامل آن را فراهم می‌کند (رادفر، ۱۳۹۲).

۱-۲. ضرورت تکامل عقل

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۳) انسانیت انسان با قوه عقلانی آن متقوم است. عقلانیت انسان موجب تفاوت جوهری او با سایر مخلوقات از جمله فرشتگان و حیوانات شده است (عرفان و کافی، ۱۳۹۰، ۱۳۲). انسانی که مغلوب شیطان و تمایلات شیطانی شده است، تغییر ماهیت می‌دهد (حیدری شاهرودی، ۱۳۸۲، ۲۶۷). کمال سعادت بشر در پرتو هدایت عقل نظری و راهبردهای عقل عملی تأمین می‌شود و تا این دو عامل مهم سعادت انسان به کمال لایق خود نرسند، درخت مبارک انسانی به ثمر نخواهد نشست. ثمره درخت طوبای انسانی در بعد عقل نظری و عملی جز علم و عدالت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۱). پس نخستین و اساسی‌ترین مکانیسم، شکوفایی بعد فکری و عقلی انسان‌هاست که شکوفاسازی و تربیت این موهبت الهی رسالت تمامی ادیان آسمانی به ویژه دین اسلام بوده است (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۳).

انسان در بعد عقلی و رشد فرهنگی، سیری طولانی داشته است. در میان دستاوردهای علمی که نصیب وی شده، تعالیم انبیا و آموزگاران اصول وحی مقامی بلند و ارزشمند دارد. یکی از اهداف اصلی و اصولی رسالت پیامبران نشر دانایی و گسترش آگاهی در میان جامعه انسانی است. دانایی

و آگاهی در همه زمینه‌ها از خودشناسی تا خداشناسی و از ذره‌شناسی تا جهان‌شناسی (حکیمی، ۱۳۸۵، ۱۸۵؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ۹۶). قرآن از عقل جز در مقام تعظیم و توجه به لزوم عمل بر پایه عقل و مراجعه به آن یاد نمی‌کند. از این رو، تقلید کورکورانه یا از سر ترس را از موانع بزرگ خردگرایی دانسته و بر این باور است که روح خردگرایی بر بستر آزاداندیشی رشد می‌کند و به حقیقت خود بار می‌یابد (عرفان و کافی، ۱۳۹۰، ۱۳۲). در این رویکرد، مکانیسم تربیت عقلانی و دانش‌اندوزی قدسی مورد توجه قرار گرفته و به فزونی دانایی و حکمت انسان در پرتو تعالیم قرآن و یادگیری کامل آموزه‌های اعتقادی و معرفتی و بالا رفتن سطح دانش و خردورزی او می‌پردازند (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۳).

امام علی علیه السلام در ترسیم این بخش از اصول رسالت‌های الهی چنین می‌فرماید: «خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود، و هر چندگاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت خدا را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱). اسلام به عقل و تعقل بسیار اهمیت داده و تربیت اخلاقی را نوعی تربیت عقلانی و بازپروری قوه استعداد می‌داند. فیلسوفان و متکلمان شیعی - از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید، فارابی، بوعلی و... - بر این باورند که عقل آدمی توان شناسایی حسن و قبح افعال را داراست و عقلی دانستن حسن و قبح را نیز به این معنا می‌دانند که عقل آدمی می‌تواند در ابتدا به حسن و قبح عملی پی ببرد (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۳). خطرناک‌ترین وسیله طواغیت روی زمین برای سرسپردگی و رام کردن مردم، خام کردن آنها و ترویج موهومات و خرافات میان آنهاست. موهومات و خرافاتی که بر عقل و اندیشه انسان سنگینی می‌کند و از غل و زنجیر که بر دست و پای آدمی می‌افتد، محکم‌تر و سنگین‌تر است؛ زیرا انسان با عقل و تفکر غل و زنجیرهایی را که بر دست و پایش افتاده‌اند، می‌شکند؛ اما عقل و اندیشه انسان هرگاه اسیر و محکوم پندارهای باطل و باورهای خرافی می‌شود در ذلت و اسارت می‌ماند (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۲۸).

مقاومت طاغیان، جهل‌پروری است که ثمر دادن شجره طیب حیات بشر، آنان و منافعشان را که بر پایه جور و جهل استوار است تهدید می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۱). سیاست طواغیت

زمینی همین بوده که توده‌ها را چون حیوانات بی‌شعور و بی‌زبان نگه دارند (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۲۸) درحالی‌که هدف میانی دین، ایجاد جامعه متمدنی است (ر.ک.، توبه: ۳۳؛ صف: ۹) که در پرتو آن درخت انسانی به بار نشیند و میوه آن یعنی دانش و خرد و نیز عدالت گسترده در تمام شئون زندگی بشر را به سعادت نهایی خود رهنمون کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۱). با شناخت و معرفت صحیح است که خداوند بهتر بندگی می‌شود و در نتیجه آن انسان به رشد و کمال و لقای الهی دست می‌یابد (سلیمیان، ۱۳۸۹، ۱۸۳/۳). در حقیقت شناخت انسان از جهان‌های ماورای طبیعت، هنوز بسیار محدود و اندک و رازآلود است و متخصصان رشته‌های گوناگون علوم بشری با این همه پیشرفت به دستاوردهای اندک و ناچیز علوم در این زمینه‌ها اعتراف دارند. از سوی دیگر چون هدف از خلقت انسان رشد و تکامل علمی و معرفتی اوست، باید روزی این هدف تحقق یابد (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ۹۵) و روزگار دانش‌های راستین و پیروزی خرد بر مجهولات فرارسد. به بار نشستن درخت سعادت انسان که با قلع شجره خبیث جهل و جور ممکن می‌شود، همان وعده تخلف‌ناپذیر و اراده حتمی خدای سبحان است که در حکومت علم‌پرور و جهل‌سوز مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الله‌الکریم محقق می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۲).

در روایت آمده است که جریان زندگی انسان عبارت است از: پیکار بین جنود عقل و جنود جهل. همه فضایل و خوبی‌ها، سربازان عقل و تمامی رذایل و ناراستی‌ها لشکریان جهل هستند. این پیکار ادامه دارد تا اینکه در عصر ظهور، جنود عقل بر جنود جهل چیره شده و دانایی و خردورزی انسان او را به قله کمال، اخلاق و معنویت رهنمون کند. اگر جامعه‌ای بر خردگرایی مبتنی بوده و بر بستر آزاداندیشی جریان یابد، بی‌گمان در برابر فرهنگ‌های دیگر پیروز میدان خواهد بود. یکی از امتیازهای روشن و برجسته جامعه عصر ظهور که از منبع اصیل آن یعنی قرآن و سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله و سلم سرچشمه گرفته، اهمیت دادن و اتکا به خرد است (عرفان و کافی، ۱۳۹۰، ۱۳۲).

توجه به آموزش، ویژگی بارز حکومت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الله‌الکریم است. نهاد آموزش از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود که در اسلام حکم زیربنایی دارد. این نهاد با تعقل و شناخت

انسان بی‌واسطه ارتباط دارد و مرز بین انسان و حیوان را ترسیم می‌کند. نهاد آموزش در جامعه، فرهنگ‌ساز است و اگر درست بی‌ریزی شود و هماهنگ با فطرت انسان پیش رود، باعث رشد و کمال انسان است وگرنه ممکن است انسان را نابود کرده و مسیر و هدف اصلی او را تغییر دهد (برهانی، ۱۳۸۷، ۱۳۶). انسان در پرتو رشد فکری، علمی و بهره‌وری از خرد ناب انسانی، حقایق را بازشناخته و مسیر درست و بایسته را انتخاب می‌کند (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۳). برای اصلاح جامعه در گام نخست باید از بخش نرم‌افزاری آغاز کرد. شاید به همین دلیل است که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف عقول انسان را شکوفا کرده و آن را برای یادگیری آماده می‌کند و بعد از آن به تعلیم و تعلم قرآن و سنت همت می‌گمارد (برهانی، ۱۳۸۷، ۱۳۶).

زیربنای حکومت مهدوی بالا بردن توان فکری و اندیشه‌ای انسان و بالندگی و شکوفایی خردورزی و عقل‌گرایی او و ریشه‌کنی جهل و نادانی و کم‌خردی است (عرفان و کافی، ۱۳۹۰، ۱۳۲). محتوای برخی از روایات این است که زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند بازمی‌دارد و او را به پاکی و روشن‌بینی ایمانی و اخلاقی دعوت می‌کند؛ به عبارت دیگر عقل همانند پیامبر بیرونی است که انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت بازمی‌دارد (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۳).

انسان در بعد عقلی و رشد فرهنگی، سابقه‌ای طولانی داشته و زحمات زیادی در این راه متحمل شده و دستاوردهایی نیز حاصل کرده است، ولی کوشش انسان در مسیر تکامل و رشد بیشتر به بعد مادی جهان و زندگی انسان معطوف بوده و در مسائل ماوراء طبیعی پیشرفت چندانی نداشته و همچنان مجهولات بی‌شماری پیش روی وی قرار دارد (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ۹۵). از سویی هدف نهایی از نزول کتب و ارسال رسولان، تأمین سعادت بشر در مراتب مختلف زندگی اوست. با این بیان روشن می‌شود که هدف نهایی تشریح ادیان الهی، انزال وحی و اتمام حجت بر بندگان و سپس رهایی آنان در این انتخاب دشوار نیست بلکه «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ» (انفال: ۴۲)، از هدف ابتدایی آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۱).

از این رو در دوران ظهور که روزگار تحقق همه آرمان‌های انسانی و الهی است، شناخت انسان به تکامل می‌رسد و در ابعاد گوناگون دانایی از جهان‌شناسی و خداشناسی عروج لازم را می‌یابد (حکیمی، ۱۳۸۴، ۱۸۷) و دین واحد توحیدی بر تمام شئون حیات بشر سایه می‌افکند و انسان به باغبانی آخرین حجت الهی میوه شیرین دانش و قسط را از شاخه‌های برافراشته درخت زندگی خویش خواهد چید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۲). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «آنگاه که قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان (خدا) می‌نهد، پس عقل‌هایشان متمرکز می‌شود و افکارشان را کامل می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۵/۱).

۲-۲. ابزار تکامل عقول

پیش از آنکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم اندیشه‌های بزرگ و حقایق و معارف الهی را به مردمان ارائه دهند نیاز به تغییر و تحول در ساختار وجود انسان و دگرگون کردن ساختمان مغز بشر هستند (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۵، ۱۲۶). برنامه ابتدایی آن موعود به حق نه متکی به جنگ است و نه تهدید و قوانین تحمیلی، بلکه شروع اصلاحات و سازندگی آن مصلح یگانه از تربیت نفوس بشری است. تهدید و کنترل هواها و طغیان‌ها توسط نیروی عقلی و برنامه‌های صحیح تربیتی نخستین انقلابی است که آن انقلاب بزرگ انجام می‌دهد (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۳۰). این تحول یک نیاز واقعی برای آماده شدن بشر برای پذیرش اندیشه‌های بزرگ و پیشرفت‌های عجیب در مسائل دین و دانش است. همان‌طور که تا بعضی از غرایز در انسان به کار نیفتند، برخی از امور را درک نمی‌کند تا قدرت‌های عظیم نهفته در مغز و قلب انسان به کار نیفتند، درک امور پیشرفته و فهم معارف عالی برای او امکان ندارد. به همین دلیل باید برای درک آنها در جهان و جهانیان تحول، تغییر و تبدیل ایجاد شود (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۵، ۱۲۷). روشنی عقول و افکار و آزادی از بند شهوات به آنجا رسد که حقایق قرآن به طور مستقیم بر عقول و نفوس بتابد و در جامعه ظهور تام و کامل شده و همه را هدایت کند (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۳۰).

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «او (حضرت مهدی «عج») خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، درحالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸). همچنین نظریه‌ها و اندیشه‌ها به سمت اندیشه واحد قرآنی سوق داده می‌شود (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۸)؛ او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد و این کاری است که نه قدرت نظامی می‌تواند انجام دهد و نه قوانین و تعلیمات بشری (حائری یزدی، ۱۴۲۲، ۱۶۸/۱)؛ چه علوم و اکتشافات بشری هرچه ترقی کرده و توسعه یابد اگر با هدایت و اصلاح و رشد نفسانی همراه نباشد وسیله‌ای می‌شود برای هوس‌بازی و جنگ‌افروزی‌های خانمان‌سوز (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۳۰). امام باقر علیه السلام در زمینه تکامل عقول در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه می‌فرماید: «آنگاه که قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان (خدا) می‌نهد، پس عقل‌هایشان متمرکز می‌شود و افکارشان را کامل می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۵/۱). در دلالت حدیث، فراز «وضع الله یدیه علی رؤوس العباد» برای بیان ابزار تمرکز و تکامل عقول بررسی می‌شود که بیان‌های مختلفی در این باب وجود دارد و در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. رحمت

برخی معتقدند این امر از طریق رحمت صورت می‌گیرد و کنایه از رحمت و توان بخشی (نائینی، ۱۴۲۴، ۷۳) یا رحمت، توفیق و شفقت امام یا خدا (قزوینی، ۱۴۲۹، ۲۵۹/۱) و یا رحمت و کامل کردن نعمت از جانب خداوند یا اینکه از واسطه جود و فیض او (امام یا عقل یا فرشته) است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۱۴/۱)، همچنین آن را کنایه از همگانی بودن، یعنی رعایت کردن مردم از روی رحمت و عطوفت به مردم از روی عدالت دانسته‌اند (مجدوب تبریزی، ۱۴۲۹، ۲۷۵/۱). آیت‌الله رفیع‌الدین نائینی، ملاخلیل قزوینی، فیض کاشانی، علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴، ۸۰/۱) و شرف‌الدین مجدوب تبریزی قائل به این نظریه هستند.

۲-۲-۲. قدرت

برخی دیگر ابزار تکامل عقل را قدرت دانسته‌اند (مازندرانی، ۱۳۸۲/۱، ۳۹۹). قدرت و نعمت خداوند متعال (عاملی، ۱۴۲۶، ۱۹۲-۱۹۱) یا قدرت و تسلط خدا یا امام بر بندگان (مجلسی، ۱۴۰۴/۱، ۸۰) یا قدرت تصرف و هدایت امام (طالقانی، ۱۳۴۴، ۸۶). نظر محمد صالح مازندرانی، زین‌الدین عاملی، علامه مجلسی و آیت‌الله طالقانی از این قرار است.

۲-۲-۳. رمز و راز

سید محمد کاظم قزوینی آن را رمز و رازی دانسته که بیان‌کننده تصرف امام در اندیشه‌های مردم است (قزوینی، ۱۴۲۲، ۶۳۳-۶۳۲).

۲-۲-۴. لطف

ملاصدرا (صدرالمتألهین) آن را ملکی از ملائکه می‌داند که واسطه جود و فیض خداوند است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳/۱، ۵۶۶-۵۶۵). شریف شیرازی و آیت‌الله طالقانی ابزار تکامل را لطف دانسته و گفته‌اند دست لطف و عنایت خدا یا امام است (امامی کاشانی، ۱۳۸۶/۱، ۹۲) یا استعاره از لطف و توفیق خدا یا امام زمان است (شریف شیرازی، ۱۴۳۰، ۹۵).

۲-۲-۵. تربیت

برخی نیز معتقدند که از طریق تربیت انجام می‌شود (عرفان و کافی، ۱۳۹۰، ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۸۰). علامه مجلسی افزوده‌اند که «وضع ید» کنایه از تربیت امت اسلامی است و سر به خاطر مرکزیتش عنوان شده و در واقع دست بر سر گذاشتن کنایه از اقتناع و تربیت است (مجلسی، ۱۴۰۴، ۸۰). سید محمد صدر آن را تسلط مردم از راه اقتناع و تربیت دانسته است (صدر، ۱۴۲۵، ۵۳۷/۳). ابزار جمع عقول، رحمت و توفیق الهی است که شامل حال مردم می‌شود، اما این رحمت الهی یا بی‌واسطه به مردم می‌رسد یا به واسطه ملک و امام که در صورت بی‌واسطه یا وساطت ملک به یقین غیرعادی خواهد بود و در صورت وساطت امام یا غیرعادی خواهد بود یا عادی و از راه تربیت و هدایت ظاهری مردم. به نظر می‌رسد مفهوم جامع تمامی این مفاهیم ولایت باشد

(جعفری و دریکوند، ۱۳۹۴، ۵۴). همان طور که در برخی فرهنگ‌ها ذکر شده، «ید» کنایه از ولایت است (زمخشری، ۱۹۷۹، ۷۱۱). هر کدام از این توصیفات به طور جداگانه راهکار، شیوه و سبب کافی برای تمرکز و رشد و شکوفایی عقل بشری به شمار نمی‌آیند و باید دست ولایت که جامع همه این موارد است بر سر بندگان قرار بگیرد تا نتیجه مطلوب که همان تمرکز عقل و تکامل احلام است، حاصل شود (جعفری و دریکوند، ۱۳۹۴، ۵۴).

۲-۳. چیستی و کیفیت تکامل عقل

عقل یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خدادادی است که انسان با استفاده صحیح از آن می‌تواند از حیوانات و اجنه و حتی ملائکه برتر باشد، ولی اگر از آن درست استفاده نکند او را تا حد حیوانیت پیش می‌برد؛ چنانکه در روایت آمده است: «اگر عقل آدمی بر هوس او غالب شد او برتر از فرشته‌ها شده و اگر عقلش مغلوب هوس‌هایش شد از حیوانات پست‌تر می‌شود» (آخوندی، ۱۳۸۶، ۱۴۷) که قرآن نیز به این نکته اشاره دارد. از ابتدای تاریخ تا به امروز پیامبران متعددی بین انسان‌ها ارسال شدند تا آنها را هدایت کرده و به سوی کمال ببرند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایت انسان‌ها استفاده از عقل است که همان حجت باطنی و درونی آنها بوده و هست. حضرت ابراهیم علیه السلام با این استدلال عقلی خود به نمرود گفت: «پروردگار من کسی است که خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد. تو اگر پروردگاری از مغرب بیرون بیاور» (بقره: ۲۵۸)، نمرود را بیچاره و درمانده کرد و ادعای خدایی‌اش را شکست. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز سیزده سال فقط کار فکری می‌کرد و همین فعالیت‌های فکری زمینه پیروزی‌های سیاسی-نظامی او را فراهم کرد (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۲۹)؛ بنابراین، معلوم شد که عقل نقش مهمی در هدایت انسان دارد. چون حق عقل فرماندهی است و نه فرمان برداری، پس باید به کمک آن شتافت. مهر ایزدی و رحمت الهی این کمک را فراهم کرده است (صدر، ۱۳۸۱، ۲۹).

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که آخرین ذخیره روی زمین و آخرین حلقه سلسله مبارزاتی است که از حضرت آدم و هابیل آغاز شده با رساترین منطق و روشن‌ترین استدلال به صحنه می‌آید تا با تکمیل عقل آن را در جای خود بنشانند (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۲۹). از امام باقر علیه السلام در کتاب الخرائج

و الجرائح از راوندی و کافی نقل شده است که آن حضرت می‌فرماید: «آنگاه که قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان (خدا) می‌نهد، پس عقل‌هایشان متمرکز می‌شود و افکارشان را کامل می‌کند» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹، ۸۴۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۵). یعنی، عقل که مهم‌ترین ابزار و وسیله برای هدایت بشر است در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیهم جمع و کامل می‌شود. در بحث مفهوم و چیستی تکامل عقول یک نظریه این است که عقول متفرق به تفرق حواس را جمع می‌کند که صدرالمتالهین (۱۳۸۳، ۱/۵۶۷-۵۶۶)؛ فیض کاشانی (۱۴۰۶، ۱/۱۱۵)؛ (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۱/۴۰۱) و زین‌الدین عاملی (۱۴۲۶، ۱۹) قائل به این نظریه هستند. نظر دیگر می‌گوید تکامل عقول، یعنی رفع انتشار و اختلاف در بین مردمان و جمع کردن آنان بر دین حق. ملاصالح مازندرانی (۱۳۸۲، ۱/۳۹۹)؛ مجذوب تبریزی (۱۴۲۹، ۱/۲۷۵)؛ شریف شیرازی (۱۴۳۰، ۹۵) و صدر (۱۴۲۵، ۳/۵۳۷) بر این نظرند. علامه مجلسی (۱۴۰۴، ۱/۸۰) این وجه را ظاهرتر می‌دانند که همه در اقرار به حق متفق‌القول می‌شوند و ملاخلیل قزوینی بر آن است که عقل هر فردی از مردم را جمع می‌کند (۱۴۲۹، ۱/۲۶۶) درحالی‌که رفیع‌الدین نائینی هر دو وجه را قبول دارند (۱۴۲۴، ۷۳) و امامی کاشانی وجه اول را مبتنی بر وجه دوم می‌دانند (۱۳۸۶، ۱/۷۵-۷۳). سید محمود طالقانی می‌گوید که تکامل و جمع عقول، یعنی به سوی یک هدف پیش خواهد برد (۱۳۴۴، ۸۷-۸۶).

در جمع‌بندی بین آرای ذکر شده می‌توان گفت جمع شدن عقول به دو صورت تفسیر شده است. عده‌ای معتقدند جمع شدن عقول ناظر به تک‌تک افراد انسان‌هاست؛ عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که جمع شدن عقول ناظر به اجتماع و اجماع مردم است، البته برخی علما به هر دو نظر اشاره کرده و برخی دیگر وجه دوم را مبتنی بر وجه اول دانسته‌اند. در هر حال به نظر می‌رسد این دو وجه با هم مرتبط هستند و به عبارتی وجه دوم نتیجه وجه اول است (جعفری و دریکوند، ۱۳۹۴، ۵۵-۵۶). تکامل عقلانی در عصر ظهور چند رویکرد و جنبه مهم و هم‌سو دارد که عبارت‌اند از:

الف) پرورش قدرت تفکر و خردورزی انسان‌ها؛

ب) عقلانی کردن رفتارها، باورها و گفتارها؛

ج) توضیح عقلانی و اندیشه‌ورانه از محاسن و زیبایی‌های دین و اخلاق؛

د) زدودن ریشه‌های جهل و اوهام و ظلمت فکری از درون انسان‌ها و جامعه بشر؛

ه) تلاش برای فهم‌پذیر کردن آموزه‌های حیاتی و روحیه‌بخش اسلام؛

و) رفع موانع خردورزی انسان و فراهم کردن زمینه‌های تفکر و تدبیر واقعی در همه چیز (آیات

آفاقی و انفسی)؛

ز) تکیه بر اصول و بنیادهای عقلی و پابندی به معیارها و ملاک‌های خاص. (کافی و عرفان،

۱۳۹۰، ۱۳۲)

پرورش خرد و اندیشه‌آدمی (تربیت عقلانی) و بالا بردن سطح دانایی و بصیرت او مکانیسمی تأثیرگذار و باارزش در رشد و شکوفایی معنوی اوست که در هر عصری کارساز بوده و در جامعه مهدوی به طور کامل محقق خواهد شد. (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۵) در باب اینکه کیفیت تکامل عقول چگونه خواهد بود نظراتی وجود دارد که به طور مختصر بررسی خواهند شد. به طور کلی نظرها در دو دسته ارائه شده است. دسته اول قائل به کامل شدن عقل تک‌تک افراد جامعه است و دسته دوم قائل به جمع و کامل شدن عقل اجتماع اجماع است. در دسته اول افرادی چون ملاصدرا (۱۳۸۳، ۱/۵۶۶-۵۶۷)؛ فیض کاشانی (۱۴۰۶، ۱/۱۱۵)؛ ملا صالح مازندرانی، (۱۳۸۲، ۱/۴۰۱)؛ جوادی آملی (۱۳۸۸، ۲۵) و سید کاظم قزوینی (۱۴۲۲، ۶۳۳-۶۳۲)، کیفیت انجام این تکامل عقول را از طریق اعجاز می‌دانند که توسط الهام فرشته یا کمک آن صورت می‌گیرد و انسان در اثر الهام فرشته به معرفت نفس می‌رسد. رفیع‌الدین نائینی (۱۴۲۴، ۷۳) و امامی کاشانی (۱۳۸۶، ۱/۷۳) قائل به این نظرند که تکامل عقول با آزادی عقل از قید هوا و هوس و رذایل و مفاسد انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر با تبعیت قوای نفسانی از عقل، این امر مهم صورت می‌گیرد. اینکه عقل‌ها مقهور و مغلوب هوس‌ها و خواسته‌های نفس نمی‌شوند بلکه غالب‌اند (آخوندی، ۱۳۸۶، ۱۴۷). این درحالی است که زین‌الدین عاملی (۱۴۲۶، ۱۹۲-۱۹۱) آن را با ازاله شبهه از فکر افراد و همچنین با جمع کردن عقولی که از آنها فارغ و منتشر شده است، می‌داند. کلینی (۱۴۰۷، ۱/۲۵) معتقد است

تکامل عقول با افزایش کمیت عقول اتفاق می‌افتد. ملا خلیل قزوینی (۱۴۲۹، ۱/۲۶۶) نیز تکامل عقول را به یکی از چهار صورت می‌داند: وسعت وجودی؛ جمع شدن جنود عقل؛ جمع کردن حواس و آرا؛ جمع کردن افکار حال و گذشته.

در دسته دوم، شهید صدر (۱۴۲۵، ۳/۵۳۷) و مرحوم طالقانی (۱۳۴۴، ۸۷) تکامل عقول را نتیجه مطلوب تربیت امام می‌دانند. با احساس وظیفه و مسئولیت، روابط مستحکم می‌شود و اتحاد و اتفاق پیش می‌آید. ملا صالح مازندرانی (۱۳۸۲، ۱/۳۹۹) قائل است که در اثر تبلیغ اسلام راستین در سطح جامعه جهانی و مبارزه با منحرفان و دشمنانی که در مقابل تبلیغ صحیح اسلام قرار می‌گیرند به عبارتی دیگر تبلیغ و منقاد شدن قوه شهوت و غضب، تکامل عقول صورت می‌پذیرد. به طور خلاصه نظرات موجود در دسته دوم در طول هم قرار دارند؛ چراکه احساس مسئولیت نیز در اثر تبلیغ و تربیت صحیح اسلام راستین به وجود می‌آید. بدون شک این مهم در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد و بشر به محضر استاد و معلمی راه پیدا می‌کند که نخست به خاطر اتصال به منبع علم، هیچ مجهولی در عالم برایش وجود ندارد و دوم اینکه هدف او پرده‌برداری از مجهولات و ارتقای انسان‌ها تا اوج تکامل علمی و عقلی است (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ۹۶). برای اینکه این اندیشه واحد و جامع شکل بگیرد آن حضرت حقایق قرآنی و آموزه‌های اصیل آن را تعلیم می‌دهد و موجب دانایی پرهیزگاران انسان‌ها می‌شود، چون قرآن کریم هم بر نور دل‌ها می‌افزاید و هم بر دانش و حکمت آنان (کارگر، ۱۳۸۱، ۵۸) و بالاخره پیوند غیر اصیل علم با جهل گسسته می‌شود و با وحی پیوند ناگسستنی پیدا می‌کند (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ۱/۹۲). امام انقلابش را از تربیت عقول و نفوس بشری آغاز می‌کند. همه طلسم‌ها، سیاست‌بازی‌ها، شگردها و حيله‌بازی‌های معمول قدرت‌های زمینی را که در زمین خدایی می‌کنند باطل و بی‌تقصیر می‌کند و بر شیادهایی که عقل و هوش را به تصرف خود درآورده‌اند، چیره می‌شود. شیادان را برای همیشه رسوا و بی‌اعتبار می‌کند و مردم را بر ضد آنان بدبین کرده و می‌شوراند (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

۳. خردورز بودن جامعه متکامل عصر ظهور و تأثیر آن بر روابط اجتماعی

قانون عرضه و تقاضا قانونی نیست که مختص کالاهای مادی باشد و گام از آن فراتر نهد، بلکه یک اصل کلی است که در عرضه هر نوع امر معنوی نیز حکم فرماست و تا در جامعه تقاضایی نسبت به امری نباشد عرضه آن مؤثر و حکیمانه نخواهد بود. حساب ظهور مصلح جهانی از این قانون کلی جدا نیست و تا در جامعه زمینه‌ای برای پذیرش چنین انقلاب جهانی نباشد از جانب خدا فرمان ظهور و خروج صادر نخواهد شد (فرج‌اللهی، ۱۳۵۸، ۶۴). پی‌ریزی یک حکومت عدل و داد در کلیه شئون به زور سرنیزه و آتش توپ و تانک امکان‌پذیر نیست. هرچند هر نوع حکومتی به قوه و قدرت محتاج است، اما در عین حال تنها قدرت و قوه اجرایی نیرومند قادر بر قلع فساد و گسترش عدل و داد نیست. اگر عدالت و دادگری از طریق زور بر مردم تحمیل شود، تأثیر محدودی خواهد داشت. تا سایه زور هست، عدالتی برقرار خواهد بود و با عقب‌نشینی قدرت زورمندان وضع جامعه به حالت نخست برگشته و بار دگر حرج و مرج حکومت خواهد کرد (فرج‌اللهی، ۱۳۵۸، ۶۴). اندیشه‌ورزان برای اصلاح یک اجتماع فاسد، نخست ایده و افکار و اعتقاد نادرست آنان را تغییر می‌دهند، زیرا تا انقلابی در افکار پیدا نشود، نمی‌توان انتظار اصلاحات عمیق در جنبه عملی داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴/۴۴۷). زمان قیام امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف زمان تکامل عقول و اندیشه‌ها و دوره آمادگی متفکران بشر برای اجرای یک اصلاحات عمیق است و اگر در چنین زمینه‌ای امام و مصلح جهانی برنامه اصلاحی خود را عرضه کند به یقین با استقبال پرشوری روبرو خواهد شد و بر اثر اندیشمند شدن بشر، سازمان‌های بشری و دستگاه‌های پر قدرت تغییر مسیر داده و در مسیر رهبری امام قرار می‌گیرند (فرج‌اللهی، ۱۳۵۸، ۶۴).

در آموزه‌های دینی وارد شده که پس از ظهور، چراغ عقل فروزان و غبارهای تیره از ساحت خرد انسانی زدوده خواهد شد. این در حالی است که در بسیاری از انسان‌ها این نیرو تحت تأثیر نیروهای شهوت و غضب از پرتوافکنی بازمانده و زمینه‌ای ایجاد شده که انسان‌ها در کنش‌های فردی و اجتماعی خود آن چنان که باید رفتار نکنند. در این حال باید غبارهای شهوانی و هواهای نفسانی را که بر چراغ عقل نشسته زدود تا در سایه نورافشانی آن به بازسازی الگوهای صحیح

کنش‌های فردی و اجتماعی دست یافت (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ۱۲۴-۱۲۳). ظلم و ستم و تعدی به حقوق الهی و مردمی، زاییده جهل و نادانی و دورافتادگی انسان‌ها از فرهنگ اصیل انسانی است. از آنجا که عقلانیت صحیح در سایه دین‌داری ممکن خواهد بود، جامعه اصلاح شده پس از ظهور، دین‌دار و کنش‌هایش معطوف به ایمان به خدا و معاد خواهد بود. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ۱۲۴) و این تنها دارویی است که بشر بیمار و گرفتار امروز را شفا می‌بخشد و انسان سلامت فکری و خدادادی را بازمی‌یابد. اینجاست که تمدن‌های جهان مادی رنگ خواهد باخت (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ۹۶/۱).

حدیث امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بهما عقولهم و کملت به أحلامهم» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۵/۱) جامعه بشریت آخرالزمان را بشارت می‌دهد و امیدوار می‌کند که دست عنایت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از آن سوی افق به کمک بشر خسته و خواب‌آلود دراز خواهد شد و عقل‌ها را از اسارت طبیعت نجات خواهد داد (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ۹۸/۱). عقل هواپرستی، آزادی خود را بازیافته و به برکت وجود آن حضرت چون گنجی نهفته اثاره می‌شود، شکوفه می‌دهد و به بار می‌نشیند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۲) و حکومت عقل فرا خواهد رسید، همان عقل فاتح و پیروز در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ۹۸/۱). روشن است وقتی عقل انسان‌ها رشد یابد و اخلاق کامل شود، ایمان آنان نیز کامل می‌شود؛ زیرا انسان با عقل رشد یافته آموزه‌های ناب دین را بهتر فرامی‌گیرد و زمانی که دانش دینی را به خوبی دریابد باور انسان نیز سیر صعودی می‌یابد و ایمان انسان به کمال می‌رسد. بنابر روایات، ایمان انسان در زمان ظهور حضرت کامل می‌شود و زمانی که ایمان و باور دینی انسان به کمال رسید، انسان هنجارهای اخلاقی را بهتر رعایت خواهد کرد و به بایدها و نبایدهای دین‌گردن خواهد نهاد و برای عمل به آن تلاش خواهد کرد (برهانی، ۱۳۸۷، ۱۳۹). براین اساس تمامی شرها و آلودگی‌ها و منشأ آنها (شیطان و هواهای نفسانی) از بین می‌رود و دروغ، طمع، حرص، کینه، کفر، فساد، زنا و... از جهان ریشه‌کن می‌شود و جهان غرق در نورانیت، قداست و طهارت شده و آیین یکتاپرستی و اخلاق فراگیر و حاکم

می‌شود. در این زمان انسان‌ها از تعالی روح و تکامل عقلی برخوردار شده و موانع و عوامل فساد و انحراف از بین می‌رود (کارگر، ۱۳۸۷، ۳۶۰).

عالم اندیشمند سید جعفر کشفی می‌نویسد: «بدان که زمان ظهور دولت آن جناب - که زمان ظاهر شدن دولت ثانیه حق است - زمان ظهور و غلبه عقل است از روی باطنی آنکه مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح ظاهری که آن مقام نبوت است (کشفی، ۱۳۸۱، ۷۸/۱). حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز حکومت، همه را به حق و عدالت دعوت می‌کند (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۰۷). آنگاه دل‌های تشنه کمال را از سرچشمه وحی سیراب می‌کند. رذیله سفلی و بی‌چیزی در پرتو هدایت آن حضرت به ملکه برتری و استغنا تبدیل می‌شود. آنگاه قلبی که به دست حضرتش متحول شده و از امید، نشاط و ایمان لبریز هستند و پذیرای اندیشه‌های ناب و انگیزه‌های حیات‌بخش نبوی و علوی می‌شوند خود را در پرتو تأدیب الهی و آموزه‌های وحیانی آن حضرت می‌نهند و بدین‌سان مدینه آرمانی انسان را سامان می‌بخشند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۲). این عنایت خداوندی است که در آینده تاریخ و با تشکیل دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تربیت دینی مردم، اخلاق آنان کامل و خردهایشان شکوفا می‌شود و جامعه فاسد و تباه‌آلود عصر پیش از ظهور به مدینه فاضله اسلامی تبدیل می‌شود (کارگر، ۱۳۸۱، ۳۶۰).

۴. نتیجه‌گیری

به طور کلی عقل عبارت است از: نیروی تشخیص و ادراک حق و باطل در قلمرو نظر و عمل از یک سو و بازدارنده از اعمال گناه و هدایت‌کننده به اعمال صالحه از سوی دیگر. خطرناک‌ترین وسیله طواغیت روی زمین برای سرسپردگی و رام کردن مردم، ترویج موهومات و خرافاتی است که بر عقل و اندیشه انسان سنگینی می‌کند. به بار نشستن درخت سعادت انسان که با قلع شجره خبیث جهل ممکن می‌شود، همان وعده تخلف‌ناپذیر و آزاده حتمی خدای سبحان است. انسان در پرتو رشد فکری و علمی و بهره‌وری از خرد ناب انسانی، حقایق را بازشناخته و مسیر درست را انتخاب می‌کند. انسان در بعد رشد فرهنگی، سابقه‌ای طولانی داشته و زحمات زیادی در این راه متحمل شده و دستاوردهایی نیز به دست آورده است، ولی کوشش انسان در مسیر تکامل و رشد، بیشتر به

بعد مادی جهان و زندگی انسان معطوف بوده است. از سویی هدف نهایی از انزال کتب و ارسال رسولان تأمین سعادت بشر در مراتب مختلف زندگی اوست. از این رو در دوران ظهور که روزگار تحقق همه آرمان‌های انسانی و الهی است شناخت انسان به تکامل می‌رسد. پیش از آنکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اندیشه‌های بزرگ و حقایق و معارف الهی را به مردمان ارائه دهند، نیاز به تغییر و تحول در ساختار وجود انسان و دگرگون کردن ساختمان مغز بشر هستند، پس شروع اصلاحات و سازندگی آن مصلح یگانه از تربیت نفوس بشری است.

امام باقر علیه السلام در زمینه تکامل عقول در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به أعلامهم». در مورد اینکه ابزار تکامل عقول کدام‌اند، نظریات مختلفی وجود دارد، ولی در نهایت دست ولایت که جامع همه این موارد است بر سر بندگان قرار می‌گیرد تا نتیجه مطلوب که همان تمرکز عقول و تکامل احلام است، حاصل شود. چگونگی جمع و تکامل عقول به دو صورت تفسیر شده است. عده‌ای آن را ناظر به تک‌تک افراد انسان‌ها می‌دانند درحالی‌که برخی دیگر آن را ناظر به اجتماع و اجماع مردم می‌دانند. بدون شک این مهم در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد و آن حضرت حقایق قرآنی و آموزه‌های اصیل آن را تعلیم می‌دهد و این امر موجب دانایی پرهیزگاران انسان‌ها می‌شود.

ظلم و ستم و تعدی به حقوق الهی و مردمی، زاییده جهل و نادانی و دورافتادگی انسان از فرهنگ اصیل انسانی است. از آنجا که عقلانیت صحیح در سایه دین‌داری ممکن خواهد بود، جامعه اصلاح شده پس از ظهور، دین‌دار و کنش‌هایش معطوف به ایمان به خدا و معاد خواهد بود. این عنایت خداوندی است که در آینده تاریخ و با تشکیل دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تربیت دینی مردم، اخلاق آنان کامل و خردهایشان شکوفا می‌شود و جامعه فساد و تباه‌آلود عصر پیش از ظهور به مدینه فاضله اسلامی تبدیل می‌شود.

- * قرآن کریم . مترجم: فولادوند، محمد مهدی (۱۳۸۹). قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه، مترجم: دشتی، محمد (۱۳۷۹). قم: نشر مشهور.
۱. ابن قتیبه، عبدالله (۱۳۸۴). تأویل مشکل القرآن. بی.جا. بی.نا.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
 ۳. امامی کاشانی، محمد (۱۳۸۶). خط امان در ولایت صاحب الزمان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۴. آخوندی، مصطفی (۱۳۸۶). امنیت در عصر مهدوی. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
 ۵. برهانی، محمد جواد (۱۳۸۷). دگرگونی اجتماعی در دوران حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: مؤسسه آینده روشن.
 ۶. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.
 ۷. جعفری، جواد؛ و دریکوند، روح الله (۱۳۹۴). تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها (دانشگاه معارف اسلامی).
 ۸. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۸). امام مهدی عجل الله تعالی فرجه. موجود موعود. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۹. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۸). خبرنامه آینده روشن. قم: انتشارات مؤسسه آینده روشن.
 ۱۰. چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۸). اصلاح در روابط اجتماعی ره آورد ظهور منجی. قم: مؤسسه آینده روشن.
 ۱۱. حائری یزدی، مهدی (۱۴۲۲). علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
 ۱۲. حائری یزدی، مهدی (۱۳۶۰). کاوش های عقل نظری. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۱۳. حکیمی، محمد (۱۳۸۴). عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۴. حکیمی، محمد (۱۳۸۵). عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 ۱۵. حیدری شاهرودی، عزیزالله (۱۳۸۲). حضرت مهدی تجسم امید و نجات. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
 ۱۶. رازی، قطب الدین (۱۳۷۵). المحاکمات بین شرحی الاشارات. قم: البلاغه.
 ۱۷. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶). نظریه پردازی درباره آینده جهان. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
 ۱۸. زمخشری، محمود (۱۹۷۹). اساس البلاغه. بیروت: دارصادر.
 ۱۹. سلیمیان، خدا مراد (۱۳۸۹). درسنامه مهدویت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
 ۲۰. شریف شیرازی، محمد هادی (۱۴۳۰). الکشف الوافی فی شرح اصول الکافی. قم: دارالحديث.
 ۲۱. صدر، رضا (۱۳۸۱). راه مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۲۲. صدر، محمد (۱۴۲۵). موسوعه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: انتشارات ذوی القربی.
 ۲۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. قم: انتشارات بیدار.
 ۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح اصول کافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 ۲۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۶. طالقانی، سید محمود (۱۳۴۴). آینده بشریت از نظر مکتب ما. قم: حکمت.
 ۲۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
 ۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۹. عاملی، زین الدین علی بن محمد (۱۴۲۶). الدر المنظوم من کلام المعصوم. قم: دارالحديث.
 ۳۰. عرفان، امیرمحسن؛ و کافی، مجید (۱۳۹۰). بازنمایی ابعاد تکامل در تاریخ از نظرگاه آموزه نجات گرایانه مهدویت. قم: مؤسسه آینده روشن.
 ۳۱. علیزاده مالستانی، عزیزالله (۱۳۸۷). تشکیل حکومت جهانی چرا و چگونه؟ قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
 ۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.

۳۳. فرج اللهی، فرج الله (۱۳۵۸). مقصود از تکامل در عصر امام چیست؟ قم: مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام.
۳۴. فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۰۶). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۵. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
۳۶. قزوینی، سیدمحمد کاظم (۱۴۲۲). الامام المهدی علیه السلام من المهدی الی الظهور. قم: دارالانصار.
۳۷. قزوینی، ملاخلیل بن غازی (۱۴۲۹). صافی در شرح کافی. قم: دارالحدیث.
۳۸. قطب الدین راوندی (۱۴۰۹). سعید بن هبه الله. الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۳۹. کارگر، رحیم (۱۳۸۱). جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام. قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۴۰. کارگر، رحیم (۱۳۸۷). آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۴۱. کارگر، رحیم (۱۳۸۷). بصیرت اخلاقی در عصر ظهور. قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه‌های علمیه قم.
۴۲. کشفی، جعفر بن ابی اسحاق (۱۳۸۱). تحفه الملوک. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. گروه نویسندگان حدیث زندگی (۱۳۸۸). زندگی در دولت مهدوی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۴۵. مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲). شرح کافی. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۴۶. مجتهدی سیستانی، مرتضی (۱۳۸۵). دولت کریمه امام زمان علیه السلام. بی جا: نشر الماس.
۴۷. مجذوب تبریزی، محمد (۱۴۲۹). الهدایا لشیعه ائمه الهدی. قم: دارالحدیث.
۴۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۸). خردگرایی در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۱. نائینی، رفیع الدین (۱۴۲۴). الحاشیه علی اصول الکافی. قم: دارالحدیث.
۵۲. نراقیان، مینو (۱۳۹۱). قرآن کریم و گسترش معنایی عقل. مجله رشد آموزش قرآن.